

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۱ می ۲۰۲۴

## ظلم طالب مکمل "قهر طبیعت ویا غضب خدا"

دوشنبه- ۳۱ ثور ۱۴۰۳- کابل: اگر از حق نگذریم ما مردم افغانستان در یکی از مسایلی که می شود گفت در بین سایر کشور ها و ممالک می توانیم ادعای "استادی" نمائیم، بهانه پالیدن است. یعنی چه برای فرار از پاسخگویی، چه طرف مقابل را خر ساختن و فریب دادن و چه برای آن که نادانی و بیکارگی خود را پنهان داریم حتماً یک بهانه پیدا می نمائیم آنهم بهانه هائی از سنخ "در بیل ماست مایه کردن" و یا هم بالای توشک کشتی "زیر پای پچاق خربوزه آمدن". یعنی بهانه هائی که هیچ منطقی نمی تواند آنها را بپذیرد.

یکی از این بهانه هائی که در روز های اخیر زیاد شنیده می شود، متناسب با نوع باور های افراد، ویرانی های سیل را به "قهر طبیعت" و یا "غضب خدا" نسبت دادن می باشد.

یعنی در حالی که به اصطلاح روشنفکران و مکتب خوانهای ما، ویرانیهای اخیر ناشی از سیلاب ها را قهر طبیعت اعلام می دارند و حاضر نیستند در چنین موردی نقش انسان را در استفاده نادرست از طبیعت در نظر بگیرند و می کوشند تا مصایب را "الله بلا" کرده به "گردن ملا- بخوانید طبیعت"- ببندازند و تمام آنچه را رخ داده برخاسته از اساسی ترین تضاد یعنی تضاد بین انسان و طبیعت معرفی دارند؛ آنهایی که مدرسه رفته اند و یکی دو کتاب ملائی خوانده اند و اینجا و آنجا چشم شان در کنار قرآن به "قصص الانبیا" نیز افتاده است، از زاویه دیگری ورق برآنت ما را صادر نموده همه چیزی را نمودی از "غضب خدا" معرفی می دارند.

جای تأسف و تأثر در هر دو طرز دید این است که نه آن یکی حاضر است بپذیرد که در دهه سوم قرن بیستم که انسان روی زمین قادر شده است سلطه اش را بر فضاء، قمر و حتا سیارات دیگر بگستراند، ناتوانی در مقابله با یک سیل را نمی توان قهر طبیعت دانست بلکه بیشتر و بیشتر از آن می باید این ناتوانی را در ساختار اجتماعی، سطح فرهنگی و علمی و سیستم اداری حاکم بر کشور دید. یعنی حتا اگر بپذیریم که نه در ریزش باران نقشی داریم و نه هم در نریختن آن و خشکسالی، باید از موضع یک حیوان به مانند و حتا بیشتر از سایر حیوانات، حد اقل در این عصر به اندازه بدانیم که در مسیر سیل بر خانه نسازیم، مجاری سیلابها را که بدون چشم مسلح از چند کیلومتر دورتر خود را نشان می دهد مسدود نمائیم، در زمان ساختن خانه و پل و یا کشیدن سرک، آبرو ها را نادیده نگیریم؛ یعنی با شناخت از طبیعت حیات ما را قسمی بر بالای طبیعت عیار سازیم که ما را در تقابل با قوای کور طبیعت قرار ندهد.

هم چنین طرف دیگر یعنی آنهایی که همه چیز را به "غضب خدا" نسبت می دهند، حاضر نیستند برای یک لحظه بپذیرند که مردم ما با آن خدا، چه پدر کشتگی دارند که از ۴۵ سال بدین سو، هر چه مصیبت در چانه داشته بر ما نازل نموده است. از مصیبت های اجتماعی و بشری چون نوکران روس- خلق و پرچم، جهادی ها و اینک طالب و بادران شان شوروی معدوم و امپریالیسم جنایت گستر امریکا و شرکاء گرفته تا مصایب طبیعی از خشکسالی و سیل گرفته تا زلزله و لغزش زمین- جای شکر وجود دارد که کوه های ما آتشفشانی نیستند و رنه آتشفشان هم ما را از برکات!! خودش بی نصیب نمی گذاشت.

هموطنان گرامی!

آنچه نتایج سوء و مرگبار "قهر طبیعت و غضب خدا" را مرگبارتر می سازد به گفته چند تن از دوستانی که تازه از ولایات بغلان و فاریاب آمده اند، اعمال سیاست های ضد انسانی و احمقانه طالب در مناطق سیل زده و حین مواجهه با سیل می باشد. به گفته این دوستان، افراد مسلح طالب که خود را نماینده و جانشین و خلیفه "خدایشان" در روی زمین می دانند به عوض آن که، چه در جریان خروش ویرانگر سیل و چه بعد از آن به کمک مردم نیازمند بشتابند و دست زن و طفل و پیر مردان و پیرزنان مستمند را بگیرند تا سیل آنها را نبرد، حجاب و محرمیت را بهانه ساخته عملاً مانع از آن شدند تا مثلاً یک مرد بیگانه دست یک زن در حال غرق شدن را بگیرد و وی را از مرگ محتوم نجات دهد.

به این هم اکتفاء ننموده اکنون در همان منطقی که سیل آنجا ها را کاملاً ویرانه ساخته، طالب بر مردم فشار می آورد که زکات اسلامی و یا همان عشر شان را بپردازند. با تأسف به همان سان که سیل نمی دانست وقتی بر جایی روان می شود به چه کسی آسیب می رساند، طالب هم نمی خواهد بداند که از کجا می باید عشر را بپردازند.

هموطنان گرامی!

این که بگوئیم زور ما به قهر طبیعت و غضب خدا نمی رسد حتا اگر واقعاً چنان باشد، مگر این را می دانیم که اگر دست اتحاد و همکاری و تساند به همدیگر دهیم طالب که جای خود دارد، زور ما به بادران طالب هم رسیده و بعداً نیز خواهد رسید. این را باید بپذیریم که آنچه ما را در مقابله با طالب ناتوان ساخته، زور و قدرت طالب نیست؛ بلکه ضعف و ناتوانی خود ما است که به طالب امکان زورگوئی و دهشت را فراهم نموده است. پس بیائید به جای دشنام دادن به طبیعت و یا دست دعا بلند کردن به طرف خدا، تمام نیروی خویش را جمع نماییم و بر فرق طالب فرود آورده و فضائی را به وجود آوریم که در آن هم قهر طبیعت و هم غضب خدا را به مهربانی و عطف آنها مبدل بسازیم.

**با شعار مرگ بر طالب و نابود باد نظام ملاسالار به نبرد مان ادامه دهیم!**

**مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل**

**و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد**

**تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!**